

آشنایی با علم عروض

هادی صفری

دارندهٔ مدال طلای دورهٔ بیست و هفتم المپیاد ادبی
مدرس المپیاد و عضو تیم طراحی آیریسک و المپیاد ادبی دات آی آر



منت خدای را عز و جل ...

... که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت. هر نفسی که فرو می‌رود بمد حیات است و چون برون می‌آید مفرح ذات. پس در هر نفسی دو نعمت موجود است و بر هر نعمتی شکری واجب.

از دست و زبان که بر آید / کز عهده شکرش به در آید؟

اعملوا آل داود شکراً و قليلاً من عبادى الشكور

بنده همان به که ز تقصیر خویش / عذر به درگاه خدای آورد

ور نه سزاوار خداوندی——ش / کس نتواند که به جای آورد

سعدی / دیباچه گلستان



خط عروضی

- مرحلهٔ اول یافتن وزن شعر، درست خواندن آن و نوشتن با خط عروضی است.
- در خط عروضی، شعر را همان گونه که می‌خوانیم می‌نویسیم.

بشنو از نی چون حکایت می‌کند

بش نووز نی چُن حِ کایت می‌گُند



برخی نکات خط عروضی

- به مصوت‌های مرکب /ow/ و /ey/ توجه شود.
- اگر نون ساکن بعد از مصوت بلند بیاید، در تعیین وزن شعر حذف می‌شود.
- به همزه آغازین هجاها توجه کنید.
- حرف مشدد دو بار به حساب می‌آید.

آن شنیدستی که در اقصای غور

آش‌نی دس‌تی کِ در اقصایِ غور



نوع هجا

- مرحله دوم یافتن وزن شعر، تعیین نوع هجا است.
- در زبان فارسی شش نوع هجا وجود دارد. در علم عروض آنها را به سه دسته تقسیم می‌کنیم:

- ص + م . ک ← هجای کوتاه

- ص + م . ب ← هجای بلند

- ص + م . ک + ص ← هجای بلند

- ص + م . ب + ص ← هجای کشیده

- ص + م . ک + ص + ص ← هجای کشیده

- ص + م . ب + ک + ص + ص ← هجای کشیده



نوع هجا

- هجای کوتاه را با نماد \cup نشان می دهند.
- هجای بلند را با نماد $-$ نشان می دهند.
- هجای کشیده از نظر امتداد معادل یک هجای بلند و یک هجای کوتاه است، پس آن را با $\cup-$ نشان می دهند.



تقطیع به ارکان

- مرحلهٔ بعدی، دسته‌بندی هجاها است که اصطلاحاً آن را تقطیع به ارکان می‌نامیم.
- دسته‌بندی طوری صورت می‌گیرد که نوعی نظم مشاهده شود، مثلاً یک دستهٔ سه‌تایی یا چهارتایی از هجاها، چهار بار تکرار شده باشند.
- برای هر رکن، معادل آن را که از ریشهٔ فعل انتخاب شده به کار می‌برند:



ارکان عروضی

الف) ارکانی، که در آغاز و میان و پایان مصراع می آیند :

۱- فاعلاتن = _ _ و _ _ (تن ت تن تن)

۲- فاعلن = _ و _ (تن ت تن)

۳- مفاعیلن = _ _ _ و _ (ت تن تن تن)

۴- فعولن = _ _ و _ (ت تن تن)

۵- مستفعلن = _ _ _ و _ (تن تن ت تن)

۶- مفعولن = _ _ _ (تن تن تن)

۷- فعلاتن = _ _ و _ _ (ت ت تن تن)

۸- فعلن = _ _ و _ (ت ت تن)

۹- مفاعلن = _ _ و _ (ت تن ت تن)

۱۰- مفتعلن = _ _ و _ (تن ت ت تن)

۱۱- فعلن (= فاعل) = _ _ (تن تن)



ارکان عروضی

ب) ارکان غیر پایانی، که در آخر مصراع قرار نمی‌گیرند. آخرین هجای هر یک از این ارکان کوتاه است:

۱- فاعلاتُ = _ _ (تن ت تن ت)

۲- فعلاتُ = _ _ _ (ت ت تن ت)

۳- مفاعیلُ = _ _ _ (ت تن تن ت)

۴- مستفعلُ = _ _ _ (تن تن ت ت)

۵- مفعولُ = _ _ _ (تن تن ت)

۶- مفاعلُ = _ _ _ (ت تن ت ت)

ج) ارکان پایانی، که فقط در آخر مصراع می‌آیند:

۱- فَعْل = _ (ت تن)

۲- فَع = _ (تن)



اختیارات شاعری

- گاهی شاعر از قواعد عروضی گفته شده عدول می کند، ولی شنونده فارسی زبان نقصی در شعر حس نمی کند. این کار را که خودش اصول و قواعدی دارد استفاده از اختیارات شاعری می نامند.
- اختیارات شاعری به دو گروه اختیارات زبانی و وزنی تقسیم می شود.



اختیارات زبانی

- حذف همزه
- تغییر کمیت مصوت‌ها
 - بلند خواندن مصوت کوتاه
 - کوتاه خواندن مصوت بلند



حذف همزه

- وقتی کلمات را پشت سر هم تلفظ می‌کنیم، گاهی دو کلمه را به هم متصل می‌کنیم و همزه ابتدای کلمه عملاً حذف می‌شود.

که عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکل‌ها

کِ عِشِقَا سَا نِ مَوْدُو وِل وَلِیْ ءُف تَا دِ مُش کِلِ هَا

---U / ---U / ---U / ---U



بلند خواندن مصوت کوتاه

- گاهی هنگام خواندن، مصوت کوتاهی را بیش از حد معمول امتداد می‌دهیم.

ای ساربان منزل مکن جز در دیار یار من

ای ساربان منزل مکن جز در دیار یار من

— U — — / — U — — / — U — — / — U — —



کوتاه خواندن مصوت بلند

- گاهی هنگام خواندن، مصوت بلندی را کمتر از حد معمول امتداد می‌دهیم.

در چنان روز مرا آرزویی خواهد بود

در چُنِ نَا روزِ مَ را آرزِیِ خا هَد بود

– U U / – – U U / – – U U / – – U U _

* مصرع اختیار فاعلاتن به جای فعلاتن و نیز ابدال دارد.



کوتاه خواندن مصوت بلند

- به خوانش کلماتی مانند خیابان، خیار و دیار توجه کنید.

ای ساربان منزل مکن جز در دیار یار من

ای ساربانِ زلِ مَ گُنْ جُزِ دَرِ دِ یاری یارِ مَن

- U - - / - U - - / - U - - / - U - - -



اختیارات وزنی

- بلند کردن هجای آخر مصراع یا نیم مصراع
- فاعلاتن به جای فعلاتن
- ابدال (تسکین)
- قلب



بلندکردن هجای آخر مصراع

- به عنوان یک قاعده، هجای آخر مصراع همواره بلند است. اگر هجای کوتاه یا کشیده در آخر مصراع قرار بگیرد در حکم هجای بلند دانسته می شود.

تاب بنفشه می دهد طره مشک سای تو

تَابِ بَنَفْسِه مِی دَهْدِ طُرَّهٔ مُشْکِ سَایِ تُو

- U U - / - U U - / - U U - / - U U -

* مصراع اختیار فاعلاتن به جای فعلاتن و نیز قلب دارد.



بلندکردن هجای آخر مصراع

- به عنوان یک قاعده، هجای آخر مصراع همواره بلند است. اگر هجای کوتاه یا کشیده در آخر مصراع قرار بگیرد در حکم هجای بلند دانسته می شود.

باز آی و دل تنگ مرا مونس جان باش

باز ایو دلی تن گم را مون سی جاباش

-- U / U -- U / U -- U / U --



وزن دوری

- گروهی از اوزان شعر فارسی را دوری یا متناوب می‌نامند.
- در وزن دوری، هر مصراع از دو نیم‌مصراع تشکیل شده که میانشان مکثی بالقوه وجود دارد. این دو نیم‌مصراع هموزن اند و معمولاً هر کدام شامل دو رکن عروضی متفاوت اند.
- مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن
- مستفعلن فعولن مستفعلن فعولن = مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن
- مستفعلن مفعولن مستفعلن مفعولن = مفعول مفاعیلن مفعول مفاعیلن



بلندکردن هجای آخر نیم مصراع

- هجای آخر نیم مصراع در اوزان دوری هم دقیقاً شرایط هجای آخر مصراع را دارد.

ماه برآمد به صبح چون دم ماهی ز آب

ما ه بَ رَا مَدَ بِ صَبْحِ چُن دُمِ مَاهِی زِ اَبِ

- U - / - U U - // - U - / - U U -



فاعلاتن به جای فعلاتن

- گاهی اوقات در اولین رکن مصرع، به جای فعلاتن (ـ ل ل ل لـ) از فاعلاتن (ـ ل ل ل لـ) استفاده می شود.

در چنان روز مرا آرزویی خواهد بود

درچُنا روزم را آرزُوی خواهد بود

ـ ل ل ل / ـ ل ل ل / ـ ل ل ل / ـ ل ل ل ـ



فاعلاتن به جای فعلاتن

- این اختیار فقط در اولین رکن ممکن است استفاده شود.
- برعکس این اختیار صحیح نیست، یعنی به جای فاعلاتن از فعلاتن استفاده نمی شود.



ابدال (تسکین)

- گاهی به جای دو هجای کوتاه متوالی (UU)، یک هجای بلند (-) می‌آید.

در چنان روز مرا آرزویی خواهد بود

درچُنا روزم را آرزُی خواهد بود

-UU / --UU / --UU / --UU-



قلب

• گاهی به جای U- از -U استفاده می شود یا برعکس.

تاب بنفشه می دهد طره مشک سای تو

ت ا ب ب ن ف ش می د ه د ط ر ر ی مُ ش ک س ا ی ت

- U U - / - U U - / - U U - / - U U -

• این اختیار معمولاً باعث تغییر مفتعلن (-U-U-) به مفاعلن (-U-

-U-) یا برعکس می شود.



چند وزن مهم

- وزن دوبیتی:

- مفاعیلن مفاعیلن فعولن (_ _ U / _ _ _ U / _ _ _ U)

- وزن رباعی:

- مفعول مفاعیلُ مفاعیلُ فعل (_ U / U _ _ U / U _ _ U / U _ _ _)

- = لن مفتعلن مفتعلن مفعلن (_ _ UU _ / _ UU _ / _ UU _ / _)

- = مستفعلُ مستفعلُ مستفعلُ فع (_ / UU _ _ / UU _ _ / UU _ _)



تمرین

آن قصر که جمشید در او جام گرفت

آهو بچه کرد و روبه آرام گرفت

بهرام که گور می گرفتی همه عمر

دیدی که چگونه گور بهرام گرفت؟



تمرین

ز دست دیده و دل هر دو فریاد

که هر چه دیده بیند دل کند یاد

بسازم خنجری نیشش ز پولاد

زنم بر دیده تا دل گردد آزاد



تمرین

بس بگردید و بگردد روزگار

دل به دنیا در نبندد هوشیار

دل من همی داد گفتم گواهی

که باشد مرا روزی از تو جدایی



تمرین

ای آنکه غمگنی و سزاواری

و ندر نهان سرشک همی باری

به حسن خلق و وفا کس به یار ما نرسد

تو را در این سخن انکار ما نرسد



تمرین

از کرده خویشتن پشیمانم

جز توبه ره دگر نمی دانم

لاف از سخن چو در توان زد

آن خشت بود که پر توان زد



تمرین

شاید اگر آفتاب و ماه نتابد

پیش دو آبروی چون هلال محمد

در نگاهش شکفته روح سحر

بر لبانش ترانه توحید

* هر دو مصرع اختیار فاعلاتن به جای فعلاتن دارند.



– «سفرت بخیر! اما، تو و دوستی، خدا را

چو از این کویر وحشت به سلامتی گذشتی

به شکوفه‌ها، به باران

برسان سلام ما را»

محمد رضا شفیعی کدکنی / از کوچه‌باغ‌های نیشابور

